

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

حکم گرفتن معاش از کارفرمای سودخوار

(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

برادری با سوالی که داشت مرا به حرج مواجه ساخت و من آن را در این سوال اش مستحق می دانم؛ هرچند تلاش نمودم که وضعیت و واقعیتی را که در آن زندگی می کنیم، برایش واضح نمایم؛ اما او به آن قناعت نکرد.

سوال در خصوص کار و وظیفه عمومی است که در نظام سرمایه داری انجام می شود، نظامی که بیش تر و یا قسمتی از اقتصاد آن مبنی سودی داشته، با درک این که دولت هایی که این معاش را در برابر وظیفه عمومی پرداخت می کنند، این مال و یا قسمتی از آن را از قرض های سودی از دولت های اجنبی و یا صندوق بین المللی پول به دست می آورند.

سوال این است که آیا ما مأمورین، اجرت کارمان را در بدل وظائف عمومی، پول سودی گرفته ایم؟ اگر جواب بلی باشد؛ پس راه نجات از این پدیده چگونه بوده و آیا می توان بدون وظیفه زندگی کرد؟

قبلاً از شما سپاس گزارم و الله سبحانه و تعالی در برابر این جوابات شما، برای تان جزای خیر دهد. برادر شما عمار از تونس.

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

نسبت به معاشی که مأمور و یا کارمند در برابر وظیفه عمومی و در بدل کارش می گیرد، حکم آن تعلق به کاری می گیرد که انجام می دهد:

- اگر شخص کارگر در کار حرامی کار می نمود؛ مثل: این که شخص در مخابراتی کار کند که برای جاسوسی و شکنجه دادن مسلمانان و حاملین دعوت کار کند، در این کار معاش آن حرام است؛ چون این شخص این معاش را از عمل حرام به دست آورده است.

- اما در صورتی که کار شخص مباح باشد؛ مثل: این که شخص به عنوان معلم، انجنیر و یا داکتر در ادارات دولتی و یا شفاخانه دولتی کار کند، در این کارها و مانندشان معاش برای کارمند و یا مأمور جائز و حلال است که در این صورت مختلط بودن مال سودی و غیرسودی، اموال جائز و غیرجائز در قسمت معاش کارگر مشکلی ایجاد نمی کند. اگر کارمند معاش خود را از این مال مختلط؛ یعنی مال حلال و حرام بگیرد، جائز است؛ مگر این که معاش آن از مال مسروقه، غصب و یا مال حرامی گرفته شود که آن مال در ذات خود حرام باشد؛ مانند: شراب و گوشت خوک؛ چون مال در این صورت در ذات خود حرام بوده و بیان آن قرار ذیل است:

مال حرام چندین نوع دارد:

حرام بالذات؛ مانند: شراب. این نوع حرام؛ نه هدیه آن جائز است؛ نه اجرت و نه هم فروش و خرید آن. شراب بر مالک و کسی که آن را می‌گیرد حرام است: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«حُرِّمَتِ الْخَمْرُ بِعَيْنِهَا»

ترجمه: ذات شراب حرام شده است.

نسائی این حدیث را تخریح کرده است.

نوع دیگر، حرامی است که به دلیل حق شخص دیگری حرام گردیده است؛ مانند: مال مسروقه و مغصوبه. این نوع حرام بر سارق و غاصب اش حرام بوده، هدیه و اجرت از چنین مالی جائز نمی‌باشد. این مال بر کاسب و کسی که آن را می‌گیرد حرام است؛ زیرا این مال حق صاحب اش بوده هر جا که حاصل شود باید به مالک آن برگردانده شود.

احمد از سمره تخریح نموده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«إِذَا سُرِقَ مِنَ الرَّجُلِ مَتَاعٌ، أَوْ ضَاعَ لَهُ مَتَاعٌ، فَوَجَدَهُ بِيَدِ رَجُلٍ بَعَيْنِهِ، فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ، وَيَرْجِعُ الْمُشْتَرِي عَلَى الْبَائِعِ بِالْثَمَنِ»

ترجمه: وقتی متاعی از شخصی دزدی شد یا مال اش ضایع گردید؛ بعداً مالک مال عین همان مال را در نزد شخصی دیگری یافت؛ پس خود شخص مالک بر آن مال سزاوارتر است؛ در این صورت مشتری ثمن و قیمت آن را از نزد فروشنده بگیرد.

این حدیث نص صریح است بر این که باید مال مسروقه به صاحب اش برگردد. به همین ترتیب، مال مغصوبه باید از غاصب گرفته و به صاحب اش برگردد؛ چنان چه از سمره روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«عَلَى الْيَدِ مَا أَخَذَتْ حَتَّى تُؤَدِّيَ»

ترجمه: شخصی که چیزی را گرفته باید آن را اداء کند.

- نوع دیگر، حرامی است که به دلیل معامله باطل، حرام می‌شود؛ مانند: سود و قمار. وقتی در نزد کسی مال مخلوط از مال سود و حلال بود، قسمت سودی آن مال، بر کاسب آن حرام است؛ اما شخصی که به طریق مشروع این مال را حصول کند بر آن حرام نمی‌باشد؛ مانند: این که شخص سود خوار مالی را به فروش برساند و قیمت آن را بگیرد یا این که زن، نفقه خود را از شخص سود خوار بگیرد یا این که شخص سود خوار مال خود را برای یکی از اقارب اش هدیه دهد و یا دیگر معاملات را انجام دهد؛ در این صورت گناه این مال بر شخص سود خوار بوده، برگیرنده قیمت و زنی که نفقه می‌گیرد و یا شخصی که هدیه می‌گیرد گناه نیست؛ زیرا در این حالت گناه بر ذمه این افراد نمی‌باشد که می‌توان به چند دلیل در این خصوص اشاره کرد:

الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (انعام: 164)

ترجمه: هیچ نفس عملی را انجام نمی‌دهد؛ مگر این که بار آن بر دوش خود آن می‌باشد؛ هیچ نفس گنهکاری بار گناهان

دیگری را بر نمی‌دارد.

رسول الله صلى الله عليه وسلم در مدینه با یهود معامله می نمود؛ درحالی که فهمیده می شد بیش تر اموال یهود از سود به دست می آمد. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا* وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ﴾ (نساء: 160)

ترجمه: به سبب ظلمی که یهودیان مرتکب شدند و به سبب مانع شدنشان بسیاری از مردم را از دین الله سبحانه و تعالی و به سبب رباخواری شان که از آن منع شده بودند و بسیاری از اموال مردم را به صورت باطل خورده اند، ما چیزهای پاکیزه ای که برای شان حلال بود، حرام گردانیدیم.

یعنی رسول الله صلى الله عليه وسلم هدیه را از یهود قبول می کرد؛ چنان چه در نزد احمد از ابن عباس روایت شده است که زنی از یهود گوسفند مسمومی را برای رسول الله صلى الله عليه وسلم هدیه داد، رسول الله صلى الله عليه وسلم؛ پس این گوسفند را برای آن زن فرستاد و فرمود:

«مَا حَمَلَكَ عَلَيَّ مَا صَنَعْتَ؟»

ترجمه: چه چیز سبب شد که این عمل را انجام دهی؟

زن گفت خواستم تا بدانم که اگر تو نبی باشی الله سبحانه و تعالی ترا آگاه خواهد ساخت و اگر نبی نباشی مردم را از دست تو راحت سازم.

از بعضی صحابه و تابعین به روایت صحیح روایت شده است که ایشان گرفتن هدیه را از شخص رباخوار اجازه داده اند:

1- مردی در نزد ابن مسعود آمد و گفت: من هم سایه ای دارم که سود می خورد و او همیشه مرا دعوت می کند، ابن مسعود گفت: "هدیه از تو است و گناه آن بر ذمه مرد است." این روایت را عبدالرزاق صنعانی در مصنف خود روایت کرده است.

2- از حسن سوال شد که آیا نان صرافی که معاملات مخلوط به سود را نجام می دهد، خورده شود؟ گفت: "قَدْ أَخْبَرَ كُمْ اللَّهُ عَنِ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى، إِنَّهُمْ يَأْكُلُونَ الرِّبَا، وَأَحَلَّ لَكُمْ طَعَامَهُمْ"؛ یعنی: الله سبحانه و تعالی شما را از یهود و نصاری خبر داده که آن ها سود می خورند؛ اما الله سبحانه و تعالی نان شان را برای شما حلال کرده است. این روایت را عبدالرزاق صنعانی در مصنف خود از معمر روایت کرده است.

3- از منصور روایت شده است که گفته است: به ابراهیم گفتم، نزد کارگری رفتم، مرا در نزد خود قبول کرد و اجازه داد، گفت: قبول کن، گفتم: صاحب سود است، گفت: "اقْبَلْ مَا لَمْ تَأْمُرْهُ أَوْ تُعْنَهُ"؛ یعنی: قبول کن تا زمانی که او را امر و یا کمک نکرده ای. این روایت را عبدالرزاق صنعانی در مصنف اش از معمر روایت کرده است.

با وجود دلائل فوق بهتر آن است با شخصی که در مال آن سود است معامله نشود، برایش مال به فروش نرسد و هدیه شان از باب تقوی قبول نگردد، تا بدین ترتیب فروشنده، پول آلوده به سود را در برابر مال اش نگیرد؛ هم چنان هدیه اش قبول نشود تا آن که هدیه از مال سود نباشد. بدین ترتیب، مسلمان از هر نوع ناپاکی دور می ماند. اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم از بسیاری مباحات خود را دور می ساختند تا از حرام دور باشند. از رسول الله صلى الله عليه وسلم روایت است که او گفت:

«لَا يَبْلُغُ الْعَبْدُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَدَعَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حَذَرًا لِمَا بِهِ الْبَأْسُ»

ترجمه: بنده من، از متقین به حساب نمی‌آید؛ مگر این که از روی احتیاط بعضی از مباحات را به دلیل دوری از ممنوعات ترک کند.

این حدیث را ترمذی تخریج نموده و گفته است که این حدیث حسن است.

خلاصه این که جائز است با شخصی که مال آن مخلوط مال سودی است، خرید، فروش و هدیه آن قبول گردد و هم چنان جائز است که شخص معاش خود را از مال شخص سودخوار بگیرد؛ اما بهتر این است که با شخص سودخوار خرید و فروش نشده و هدیه آن قبول نشود. هم چنان در نزد آن شخص کار نشده و معاش از آن گرفته نشود؛ بناءً شخصی که در وظایف عمومی و در عمل مباح کار می‌کند، گرفتن معاش برایش از چنین شخصی بدون حرج جائز بوده و در این صورت گناه سود بر ذمه کارگر و مأمور نبوده؛ بلکه بر ذمه صاحب کار است. امیدوارم که این جواب در همین حد کفایت کند. الله سبحانه و تعالی از همه عالم‌تر و در کارش با حکمت‌تر است.

برادر تان عطاء بن خلیل ابوالرشته

9 ذوالقعدة 1441 هـ.ق.

30 جون 2020 م.

مترجم: مصطفی اسلام